

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ناتور رحمانی

۰۳ نومبر ۲۰۱۲

به آن هم صدائی که در غبار سالهای «وبا» گم شد .

(آتشکده ای خاموش)

ای آشنا !

این زندگانی چیست ؟

شاید تنها نفس به یاد همین نام

کشیدن است

در آرزوی آنچه نیست نماید

تپیدن است

بانوی فصل رزم !

اخگر شمار کوره ذوبان آذری

الگوی تو کدام نفس گرم آتش است ؟

مرام تو عصیان کدام روح سرکش است

دگر نمانده دوره رزم آوران دژ

دگر ستون کوه نلرزد ز هاهوی

دگر نمانده سُم ستوران بدشت ها

دگر چکاچاک شمشیر نیست به گوش

زردی فصل یأس و سر درگمیست کنون

گویند رستم بیرون رفته ز شهنامه

مرگ سهراب است و صد هنگامه

فریاد تا انحنای چوبه دار می رسد

فردا ز اصل قامت تقویم جدا شده

بیماری قرون به روزگار می رسد

ای بانوی شهر آشوب !
آتش گرفته پیکر آتش نما شده
منظور تو کدام فهم و دانش و مکتب است ؟
آنکو مریض لحظه ای مرگ است و در تب است
یا آنکه در طلسم سیاه مانده است به بند
در انحطاط رخوت بازار چون و چند
دگر قلم رسالت خویش از یاد برده است
دانش درون تابوت ظلمت به خواب شده
آگاهی رخت بسته و مکتب خراب شده
شهر زاد قصه ها !
آتشفشان، آتش زبان، آتش دست و پا
مرام تو کدام خواب ریشم رؤیاست ؟
شکستن کدام رخ مطلوب شیشه هاست ؟
آگاه نیی که کرم ز پيله جدا شده
حقیقت است که یأس تمام صدا شده
دشوار نیست ره مگر رهنما کجاست ؟
آن چا ووشان منزلگه آشنا کجاست ؟
همه سنگ است همه جنگ است
که در بازار اندیشه ترازو ها دگر رنگ است
صداقت را ، عطوفت را ، لیاقت را
به نرخ کاه خریدا ر اند

ببین ای شهر بانو
شهر ساز شهر ویرانه
زمان زمان نا مردیست
خیالباغ و دنی و جاهل و پارسای آلوده
درون خلوت شب طرح از تارا ج می بافند
که زیبا گوهران وقت آنها اند
چقدر خوب می لافند
دگر هر کس فقط با خود بود تنها
تک و تنها در گیر قرار داد ها
که (ما) در لجن خود خواهی ها نابود گردیده
و (من)
فقط در پرتو پریده رنگ شام ، تیر خورده
یگانه همدم و همپا و همرازش

همان کوتاهترین سایه است که دور پاش می رقصد
دگرشور از کجا آید؟
دگر عصیان ز چی زاید؟
که هر کی دست پیش آرد او را خنجر در آستین است
نمی دانی ای بانو
که رنگ زندگانی اینست
بیا بنشین و رنگ خیال از مخمل گل‌های یأس بر چین
که تنها ترین هنگامه ساز رزم ، شاهین است
و دنیا
پُر از ببر های کاغذی و شیر های دروغین است .

سالهای (وبا)

دوزخ سبز اسلام آباد